



ضربت خوردن حضرت علي(ع) در شب نوزدهم ماه مبارك رمضان سال 40 هجري قمري

ضربت خوردن حضرت علي(ع) در شب نوزدهم ماه مبارك رمضان سال 40 هجري قمري...

ضربت خوردن حضرت علي(ع) در شب نوزدهم ماه مبارك رمضان سال 40 هجري قمري

عبدالرحمن بن ملجم مرادي، از گروه خوارج و از آن سه نفری بود که در مکه معظمه با هم پیمان بسته و هم سوگند شدند، که سه شخصیت مؤثر در جامعه اسلامي، يعني امام علي بن ابي طالب(ع)، معاويه بن ابي سفيان و عمرو بن عاص را در يك شب واحد ترور کرده و آن ها را به قتل رسانند.

هر کدام به سوي شهرهاي محل مأموریت خویش رهسپار شدند و عبدالرحمن بن ملجم مرادي به سوي کوفه رفت و در بیستم شعبان سال 40 قمري وارد این شهر بزرگ شد. [نگاه کنید: بیستم شعبان سال 40 هجري قمري] وي به همراهي شبيب بن بجره اشجعي، که از همفکران وي بود و هر دوي آن ها از سوي "قطام بنت علقمه" تحريك و تحريث شده بودند، در سحرگاه شب نوزدهم ماه مبارك رمضان سال 40 قمري در مسجد اعظم کوفه کمین کرده و منتظر ورود امیرمؤمنان علي بن ابي طالب(ع) شدند. هم چنین قطام، شخصی به نام "وردان بن مجالد" را که از افراد طایفه اش بود، به پاری آن دو نفر فرستاد.

اشعث بن قیس کندی که از ناراضیان سپاه امام علي(ع) و از دو چهرگان و منافقان واقعي آن دوران بود، آنان را راهنمایی، پشتیبانی و تقویت روي می نمود.

حضرت علي(ع) در شب نوزدهم ماه مبارك رمضان، مهمان دخترش ام کلثوم(س) بود و در آن شب حالت عجیبي داشت و دخترش را به شیگفتی درآورد.

روایت شد که آن حضرت در آن شب بیدار بود و بسیار از اتاق بیرون می رفت و به آسمان نظر می کرد و می فرمود: به خدا سوگند، دروغ نمی گویم و به من دروغ گفته نشده است. این است آن شبی که به من وعده شهادت دادند. به هر روي، آن حضرت به هنگام نماز صبح وارد مسجد اعظم کوفه شد و خفته گان را برای ادای نماز بیدار کرد. از جمله، خود

عبدالرحمن بن ملجم مرادي را که به رو خوابیده بود، بیدار و خواندن نماز را به وي گوش زد کرد. هنگامی که آن حضرت وارد محراب مسجد شد و مشغول خواندن نماز گردید و سر از سجده اول برداشت، نخست شیب بن بجره با شمشیر برآن بر وي هجوم آورد، ولیکن شمشیرش به طاق محراب اصابت کرد و پس از او، عبدالرحمن بن ملجم مرادي فریادی برداشت: "لله الحكم يا علي، لا لك و لا لأصحابك!" و شمشیر خویش را بر فرق نازنین حضرت علي(ع) فرود آورد و سر مبارکش را تا به محل سجده گاهش شکافت.

حضرت علي(ع) در محراب مسجد، افتاد و در همان هنگام فرمود: بسم الله و بالله و علي مئة رسول الله، فزت و ربّ الكعبة؛ سوگند به خدای کعبه، رستگار شدم.

نمازگزاران مسجد کوفه، برخی در پی شیب و ابن ملجم رفته تا آن ها را ببابند و برخی در اطراف حضرت علي(ع) گرد آمده و به سر و صورت خود می زدند و برای آن حضرت گریه می نمودند.

حضرت علي(ع)، در حالی که خون از سر و صورت شریفش جاری بود، فرمود: هذا ما وعدنا الله و رسوله؛ این همان وعده ای است که خداوند متعال و رسول گرامی اوست به من داده اند.

حضرت علي(ع) که توان ادامه نماز جماعت را نداشت، به فرزندش امام حسن مجتبی(ع) فرمود که نماز جماعت را ادامه دهد و خود آن حضرت، نمازش را نشسته تمام کرد.

روایت شد، که در هنگام ضربت زدن عبدالرحمن بن ملجم بر سر مطهر حضرت علي(ع)، زمین به لرزه در آمد و دریاها موج و آسمان ها متزلزل شدند و درهای مسجد به هم خوردند و خروش از فرشتگان آسمان ها بلند شد و باد سیاهی وزید، به طوري که جهان را تیره و تاریک ساخت و جبرئیل امین در میان آسمان و زمین ندا داد و همگان ندایش را شنیدند. وي می گفت: تهدمت و الله ارکان الهدی، و انطمست أعلام التّقي، و انفضمت العروه الوثقي، قتل ابن عمّ المصطفي، قتل الوصيّ المجتبي، قتل عليّ المرتضي، قتله أشقي الأشقياء؛ سوگند به خدا که ارکان هدایت درهم شکست و ستاره هاي دانش نبوت تاریک و نشانه هاي پرهیزکاری بر طرف گردید و عروه الوثقي الهي گسیخته شد. زیرا پسر عموي رسول خدا(ص) شهید شد، سید الاوصیا و علي مرتضي به شهادت رسید. وي را سیاه بخت ترین اشقیاء، يعني ابن ملجم مرادي [به شهادت رسانید.

بدین گونه پیشوایی شایسته، امامی عادل، خلیفه ای حق جو، حاکمی دلسوز و یتیم نواز، کامل ترین انسان برگزیده خدا و جانشین بر حق محمد مصطفي(ص)، به دست شقی ترین و تیره بخت ترین انسان روي زمین، يعني ابن ملجم مرادي ملعون، از پای درآمد و به سوي ابدیت و لقاء الله و هم نشینی با پیامبران الهي و رسول خدا(ص) رهسپار گردید و امت را از وجود شریف خویش محروم نمود.